

نویسنده: کریس هجز «Chris Hedges».

منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز «2022-03-15»

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

رقص والس به سمت خیر و شر با بازرگانان مرگ

**Waltzing Toward Armageddon with the
Merchants of Death**



جنگ سرد، از سال 1945 تا 1989، برای سازندگان اسلحه، پنتاگون، سیا، دیپلمات‌هایی که در صفحه شطرنج جهان با یک کشور مقابل کشور دیگر بازی می‌کردند، و شرکت‌های جهانی که قادر به غارت و غارت با یکسان دانستن سرمایه‌داری غارتگر بودند، یک باکانه وحشی بود یا آزادی به نام امنیت ملی، جنگ جویان سرد، که بسیاری از آنها لیبرال‌های خود را معرفی می‌کنند، کارگران شیطان‌ها، رسانه‌های مستقل، سازمان‌های حقوق بشر، و کسانی که با

اقتصاد جنگ دائمی و نظامی‌سازی جامعه آمریکا به عنوان نرم‌افزار کمونیزم مخالف بودند .

به همین دلیل است که آن را زنده کرده اند.

تصمیم برای رد امکان همزیستی مسالمت آمیز با روسیه در پایان جنگ سرد یکی از فاحش‌ترین جنایات اواخر قرن بیستم است. خطر تحریک روسیه با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از جمله نخبگان سیاسی مختلف مانند هنری کیسینجر و جورج اف کنان، که گسترش **نا تو** به اروپای مرکزی را "مهم‌ترین خطای سیاست آمریکا در اروپای مرکزی در کل دوران پس از جنگ سرد" نامیدند، به طور جهانی درک شد.

این اقدام تحریک آمیز، نقض وعده عدم گسترش **نا تو** در فراتر از مرزهای آلمان متحد، مثل لهستان، مجارستان، جمهوری چک، بلغارستان، استونی، لتونی، لیتوانی، رومانی، اسلواکی، اسلوانی، آلبانی، کرواسی، مونته‌نگرو، و مقدونیه شمالی وارد اتحاد نظامی غرب شد. این خیانت با تصمیم برای استقرار نیروهای **نا تو**، از جمله هزاران سرباز آمریکایی، در اروپای شرقی، یکی دیگر از موارد نقض توافق واشنگتن با مسکو، تشدید شد. تهاجم روسیه به اوکراین، که شاید هدف بدبینانه اتحاد غربی باشد، اکنون **نا توی** در حال گسترش و احیاگر و نظامی‌گری افسارگسیخته و غیرقابل کنترل را تقویت کرده است. ممکن است اربابان جنگ به وجد آمده باشند، اما عواقب بالقوه آن، از جمله یک آتش‌سوزی جهانی، وحشتناک است.

صلح فدای هژمونی جهانی ایالات متحده شده است. این کشور قربانی میلیاردها سود حاصل از صنعت تسلیحات شده است. صلح می‌توانست شاهد سرمایه‌گذاری منابع دولتی بر روی مردم باشد تا سیستم‌های کنترل می‌توانست به ما اجازه دهد تا به وضعیت اضطراری آب و هوا رسیدگی کنیم. اما ما فریاد می‌زنیم صلح، صلح، و اما صلح وجود ندارد. ملت‌ها دیوانه وار دوباره مسلح می‌شوند و جنگ هسته‌ای را تهدید می‌کنند. آنها برای بدترین‌ها آماده می‌شوند و مطمئن می‌شوند که بدترین اتفاق خواهد افتاد پس چه می‌شود اگر **آمازون** به نقطه اوج نهایی خود برسد، جایی که درختان به زودی شروع به از بین رفتن دسته جمعی خواهند کرد.

پس چه می‌شود اگر یخ‌های خشکی و قفسه‌های یخی از پایین با سرعتی بسیار سریعتر از آنچه که پیش بینی شده نوب شوند. پس چه می‌شود اگر درجه حرارت افزایش یابد، طوفان هیولا، سیل، خشکسالی و آتش‌سوزی زمین را ویران کند. در مواجهه با شدیدترین بحران وجودی که نوع بشر و بسیاری از گونه‌های دیگر را فراگرفته است، نخبگان حاکم درگیری را دامن می‌زنند که باعث افزایش قیمت نفت و توربوشارژ کردن صنعت استخراج سوخت‌های فسیلی می‌شود. این خود جنون جمعی است.

حرکت به سمت درگیری طولانی با روسیه و چین نتیجه معکوس خواهد داشت. تلاش مذبحانه برای مقابله با از دست دادن مداوم سلطه اقتصادی توسط ایالات متحده با تسلط نظامی خنثی نخواهد شد. اگر روسیه و چین بتوانند یک سیستم مالی جهانی جایگزین ایجاد

کنند، سیستمی که از دلار آمریکا به عنوان ارز ذخیره جهانی استفاده نکند، این نشان دهنده فروپاشی امپراتوری آمریکا خواهد بود. ارزش دلار به شدت کاهش خواهد یافت. اوراق قرضه خزانه داری که برای تامین مالی بدهی های کلان آمریکا استفاده می شود، تا حد زیادی بی ارزش خواهد شد. تحریم های مالی که برای فلج کردن روسیه به کار می روند، به نظر من، مکانیزمی خواهد بود که ما را می کشد، اگر ابتدا خود را در جنگ حرارتی هسته ای نکشیم.

واشنگتن قصد دارد اوکراین را به چین یا افغانستان قدیم تبدیل کند، زمانی که دولت کا رتر، تحت تأثیر زیگنیو برژینسکی مشاور امنیت ملی شبه سونگالی، جها دگرایان رادیکالی را تجهیز و مسلح کرد که در مبارزه با طالبان و القاعده تبدیل می شوند. شوروی ها برای روسیه خوب نخواهد بود. برای ایالات متحده خوب نخواهد بود. این برای اوکراین خوب خواهد بود، زیرا خون ریزی روسیه مستلزم رودخانه هایی از خون اوکراینی است. تصمیم برای نابودی اقتصاد روسیه، تبدیل جنگ اوکراین به با تلاق روسیه و سرنگونی رژیم ولادیمیر پوتین، جعبه شرارت پاندورا را باز خواهد کرد. مهندسی اجتماعی عظیم - به افغانستان، عراق، سوریه، لیبی یا ویتنام نگاه کنید - نیروی گریز از مرکز خود را دارد. آنها را که خدا را بازی می دهند نابود می کند.

جنگ اوکراین آخرین بقایای چپ را خاموش کرده است. تقریباً همه با سرگیجه برای جنگ صلیبی بزرگ علیه آخرین تجسم شیطان، ولادیمیر پوتین، که مانند همه دشمنان ما، به هیتلر جدید تبدیل شده است، امضا کرده اند. ایالات متحده 13.6 میلیارد دلار کمک نظامی و بشردوستانه به اوکراین خواهد داد و دولت بایدن روز شنبه مجوز 200 میلیون دلار کمک نظامی اضافی را صادر کرد. نیروی 5000 نفری استقرار سریع اتحادیه اروپا، استخدام تمام اروپای شرقی، از جمله اوکراین، در ناتو، پیکربندی مجدد ارتش های بلوک شوروی سابق به سلاح ها و فناوری ناتو، همگی به سرعت پیگیری شده اند. آلمان، برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم، به طور گسترده در حال تسلیح مجدد است. این کشور ممنوعیت صادرات سلاح را لغو کرده است. بودجه نظامی جدید این کشور دو برابر بودجه قبلی است، با وعده افزایش بودجه به بیش از 2 درصد تولید ناخالص داخلی، که ارتش این کشور را از هفتمین رتبه بزرگ در جهان به سومین، پس از چین و ایالات متحده منتقل می کند. تعداد گروه های جنگی ناتو در کشورهای بالتیک دو برابر شده و به بیش از 6000 نیرو رسیده است. گروه های جنگی به رومانی و اسلواکی اعزام خواهند شد. واشنگتن تعداد نیروهای آمریکایی مستقر در لهستان را دو برابر خواهد کرد و به 9000 نفر خواهد رساند. سوئد و فنلاند برای ادغام با ناتو در نظر دارند وضعیت بی طرف خود را کنار بگذارند.

این یک دستور العمل برای جنگ جهانی است. تا ریخ، و همچنین تمام درگیری هایی که من به عنوان خبرنگار جنگ پوشش دادم، نشان داده اند که وقتی موضعگیری نظامی آغاز می شود، معمولاً روشن کردن آتش تشییع جنازه کمی طول می کشد. یک اشتباه. یکی بیش از حد. یک قمار نظمی خیلی زیاد است. یک تحریک بیش از حد. یک عمل

نالامید کننده.

تهدید روسیه برای حمله به کاروان های تسلیحاتی به اوکراین از غرب؛ حمله هوایی آن به یک پایگاه نظامی در غرب اوکراین، در 12 مایلی مرز لهستان، که محل استقرار مزدوران خارجی است. اظهارات **آندری دودا**، رئیس جمهور لهستان مبنی بر اینکه استفاده روسیه از سلاح های گشتار جمعی، مانند سلاح های شیمیایی، علیه اوکراین، «تغییرگر بازی» خواهد بود که می تواند **نا تو** را مجبور کند در تصمیم خود برای خودداری از مداخله مستقیم نظامی تجدید نظر کند. تحولات شومی است که اتحاد را به جنگ آشکار با روسیه نزدیک می کند.

هنگامی که نیروهای نظامی مستقر می شوند، حتی اگر ظاهراً در وضعیت دفاعی باشند، تله خرس بازمی شود. راه اندازی فنربسیا رکم است. بوروکراسی نظامی گسترده، وابسته به اتحادها و تعهدات بین المللی، همراه با برنامه ها و جدول زمانی دقیق، زمانی که شروع به حرکت به جلو می کند، غیرقابل توقف می شود. همانطور که اروپا در دو جنگ جهانی آموخته است، نه با منطق، بلکه با عمل و عکس العمل پیش می رود.

ریاکاری اخلاقی ایالات متحده حیرت آور است. جنایاتی که روسیه در اوکراین انجام می دهد بیش از جنایاتی است که واشنگتن در دو دهه اخیر در خاورمیانه مرتکب شده است، از جمله جنگ پیشگیرانه، که بر اساس قوانین پس از **نورنبرگ** یک اقدام جنایتکارانه تجاوزکارانه است. به ندرت این ریاکاری آشکار می شود، مانند زمانی که سفیر ایالات متحده در سازمان ملل، **لیندا توماس-گرینفیلد** به این جسد گفت: «ما ویدئوهایی از نیروهای روسی در حال حرکت سلاح های مرگبار استثنایی به سمت اوکراین، که جایی در میدان جنگ ندارد، دیده ایم. این شامل مهمات خوشه ای و بمب های خلاء می شود که طبق کنوانسیون ژنو ممنوع شده اند. ساعاتی بعد، متن رسمی اظهارات او با عبارت "اگر علیه غیرنظامیان باشد" اصلاح شد. دلیل این امر این است که ایالات متحده، که مانند روسیه هرگز کنوانسیون مربوط به بمب های خوشه ای را تصویب نکرد، به طور منظم از مهمات خوشه ای استفاده می کند. از آنها در ویتنام، لائوس، کامبوج و عراق استفاده کرد. آنها را برای استفاده در یمن در اختیار عربستان سعودی قرار داده است. روسیه هنوز به آمار تلفات غیرنظامیان در اثر بمب های خوشه ای تحویلی توسط ارتش آمریکا نزدیک نشده است.

دکتر استرنج لاوز، مانند زامبی هایی که از گورهای دسته جمعی که در سرتاسر جهان ایجاد کرده اند، برمی خیزند، بار دیگر کمپین های جدید گشتار دسته جمعی صنعتی را دامن می زنند. بدون دیپلماسی هیچ تلاشی برای رسیدگی به نارضایتی های مشروع دشمنانمان. هیچ کنترلی بر میلیتاریسم افسارگسیخته وجود ندارد. هیچ ظرفیتی برای دیدن جهان از منظر دیگری وجود ندارد. هیچ توانایی برای درک واقعیت خارج از محدوده دوتایی خوب و بد. هیچ درک درستی از خرابکاری هایی که آنها برای چندین دهه ترتیب دادند. ظرفیتی برای ترحم یا پشیمانی نیست.

زمانی که من از آمریکای مرکزی گزارش می دادم، **الیوت آبرامز** در دولت **ریگان** کار می کرد. او جنایات و قتل عام های رژیم های نظامی در السالوادور، گواتمالا، هندوراس و نیروهای کنتررا تحت حمایت ایالات متحده را که با ساندینیست ها در نیکاراگوئه می

جنگند، سرپوش گذاشت. او به شدت به خبرنگاران و گروه های حقوق بشر به عنوان کمونیست یا ستون پنجم حمله کرد و ما را «غیر آمریکایی» و «غیر وطن پرست» خواند. او به دلیل دروغ گفتن به کنگره درباره نقشش در ماجرای ایران کنترا محکوم شد. دوران دولت جورج دبلیو بوش، او برای حمله به عراق لابی کرد و سعی کرد کودتای ایالات متحده در ونزوئلا را برای سرنگونی هوگو چاوز سازماندهی کند. **آبرامز** برای شورای روابط خارجی که یکی از اعضای ارشد آن است، می نویسد: «هیچ جایگزینی برای قدرت نظامی وجود نخواهد داشت و ما به اندازه کافی نداریم.» «اکنون باید کاملاً واضح باشد که درصد بیشتری از تولید ناخالص داخلی باید صرف دفاع شود ما به استحکام متعارف بیشتری در کشتی ها و هواپیماها نیاز خواهیم داشت. ما باید از نظر فناوری نظامی پیشرفته با چینی ها همسان شویم، اما در آن سوی طیف، اگر مجبور باشیم هزاران تانک را در اروپا مستقر کنیم، ممکن است مانند زمان جنگ سرد، به تعداد زیادی تانک بیشتر نیاز داشته باشیم. (تعداد کل تانک های آمریکایی مستقر دائماً در اروپا امروز صفر است.) تلاش های مداوم برای کاهش بیشتر از اندازه زرادخانه هسته ای ما یا جلوگیری از مدرن سازی آن همیشه ایده های بدی بود، اما اکنون که **چین و روسیه** در حال مدرن سازی تسلیحات هسته ای خود هستند و به نظر می رسد هیچ علاقه ای به مذاکره در مورد محدودیت های جدید ندارد، چنین محدودیت هایی باید به طور کامل کنار گذاشته شوند. زرادخانه هسته ای ما باید مدرن سازی و گسترش یابد تا هرگز با انواع تهدیدهایی که پوتین اکنون از موضع حقارت هسته ای واقعی می کند، مواجه نشویم.» پوتین به نفع صنعت جنگ بود. به جنگ افروزان آنچه می خواستند داد. وحشیانه ترین خیالات آنها را برآورده کرد. اکنون هیچ مانعی در راهپیمایی به سمت آرماگدون وجود نخواهد داشت. بودجه نظامی افزایش خواهد یافت. روغن از زمین فوران خواهد کرد. بحران آب و هوا سرعت بیشتری خواهد گرفت. چین و روسیه محور جدید شرارت را تشکیل خواهند داد. فقر آنها خواهند شد. جاده های سراسر زمین با پناهندگان نامید مسدود خواهد شد. همه مخالفت ها خیانت خواهد بود. جوانان فدای طناب های خسته شکوه و افتخار و کشور خواهند شد. افراد آسیب پذیر رنج خواهند برد و خواهند مرد. تنها میهن پرستان واقعی ژنرال ها، سوجدویان جنگ، فرصت طلبان، درباریان در رسانه ها و عوام فریبی خواهند بود که برای خون های بیشتر و بیشتر می غلتند. بازرگانان مرگ مانند خدایان المپیا حکومت می کنند. و ما، ترسیده، سرمست از جنگ، در هیستری جمعی غرق شدیم و برای نابودی خود فریاد زدیم.

چند سطر در مورد نویسنده: کریس هجز یک روزنامه نگار برنده جایزه

پولیتزر است که به مدت پانزده سال خبرنگار خارجی برای نیویورک تایمز بود و در آنجا به عنوان رئیس دفتر خاورمیانه و رئیس دفتر بالکان برای این روزنامه خدمت کرد. کتاب های او شامل فاشیست های آمریکایی: راست مسیحی و جنگ علیه آمریکا، مرگ طبقه لیبرال، و جنگ نیرویی است که به ما معنا می دهد و روزهای نابودی، روزهای شورش، و همکاری.

----- **با تقدیم سلامها «2022-03-17»**

